

تشدید جنگ نفتکشها

ذخیره" را آغاز کردند. نفتکشهای کوچکی که در اجاره خود رژیم هستند نفت بارگیری شده در خارک و سیری را در "نفتکشهای ذخیره" شناور در شرق جزیره لارک (واقع در تنگه هرمز) خالی می‌کنند و نفتکشهای خارجی نفت خود را از این "اسکله‌های شناور" تحویل می‌گیرند. رژیم زمانی که به این شیوه تحویل نفت به نفتکشهای بین‌المللی متوسل شد، مدعی گردید که بقیه در صفحه ۲

بعدا تعداد ملوانان ناپدید شده ۲۰ نفر اعلام شد. نفتکشهایی که مورد حمله عراق قرار گرفتند، اصطلاحاً "نفتکشهای ذخیره" نام دارند و به مثابه "اسکله‌های بارگیری شناور" عمل می‌کنند. جمهوری اسلامی، بعد از این که شرکت‌های کشتی‌رانی بین‌المللی اعلام کردند بدلیل فقدان امنیت حاضر نیستند برای بارگیری مستقیماً به خارک و یا سیری بروند، استفاده از "نفتکشهای

در دو هفته اخیر جنگ نفتکشها تشدید شده است. در روز شنبه ۲۴ اردیبهشت هواپیماهای جنگنده عراقی به ۴ نفتکش در جوار جزیره لارک حمله بردند. بر اثر این حمله، که برای جمهوری اسلامی غیر منتظره بود، دو نفتکش قول پیکر در اجاره جمهوری اسلامی که بزرگترین نفتکشهای جهان محسوب می‌شوند، منعدم گردیدند. در ابتدا اعلام شد که از ۴۰ ملوان شافل در این کشتی‌ها اثری در دست نیست.

اگر شیت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکترب) در خارج از کشور

دو شنبه ۲ خرداد ۱۳۵۷ برابر ۲۳ مه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال سال پنجم - شماره ۲۰۸

سخنان عید فطر خمینی بازتاب در ماندگی رژیم

سه شنبه گذشته، که مصادف با عید فطر بود، خمینی سران رژیمش را به چهاران فراخواند و در جمع آنها سخنانی ایراد کرد که بازتاب کاملی از در ماندگی رژیم در موقعیت کنونی بود.

خلیفه چهاران پس از اظهارات معمول مذهبی، بخش سیاسی سخنان خود را با انتخابات اخیر مجلس آخوندی آغاز کرد. وی برای نخستین بار گفت در جمهوری اسلامی "دو سلیقه" و "دورای" وجود دارد که البته نباید به جبهه بندی بیانجامد. رادیوی رژیم از مهدوی کنی رهبر گروه بندی بازنده انتخابات، بعنوان نفر چهارم در رده بندی درباریان نام برد، و جمله خمینی مبنی بر اینکه "دو سلیقه" در رژیم "باید هم باشد" نیز حاکی از این بود که چهاران از بقیه در صفحه ۳

نگاهی به مسئله بیکاری و دگرگونی در توزیع اشتغال

دولت بشمار می‌آید. جمهوری اسلامی و سیاستهای پولی و مالی دولت، نحوه نگرش به برنامه ریزی اقتصادی، سطح سرمایه‌گذاری دولتی، باعث آن شده‌اند که در سالهای اخیر، میزان بیکاری در جامعه ایران فوق العاده افزایش یافته و نرخ رشد بیکاری به حد بی سابقه‌ای بالغ گردد. در زبان علم اقتصاد، دو مقوله بیکاری و اشتغال محصول تقاضا و بهره نیروی بقیه در صفحه ۶

کشور، خود معلول هلال متفاوتی است. رشد ناموزون اقتصادی و کار گرفت تکنولوژی پیشرفته در بافت سنتی اقتصادی با توجه به نرخ رشد جمعیت بالا، یکی از مسائل جدی و موثر در افزایش نرخ بیکاری در کشورهای سرمایه‌داری وابسته است. بطور مشخص موضوع بیکاری در جامعه ایران، علاوه بر هلال موجود در نوع ساخت و بافت مناسبات اقتصادی کشور، محصول سیاستهای اقتصادی

بیکاری و رشد دم‌افزون آن یکی از مسائل جدی اقتصادی - اجتماعی و یکی از نمودهای بارز بحران چند وجهی حاکم بر جامعه ایران بحساب می‌آید. در نوشتار حاضر، تلاش می‌گردد تا ضمن بررسی مسئله بیکاری در شرایط حاضر اقتصاد کشور به ابعاد ویران ساز رشد نرخ بیکاری در سالهای آتی اشاره گردد. بیکاری بمثابة یکی از وجوه اصلی بحران اقتصادی

در این شماره

پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران

در صفحه ۱۰

فاجعه آفرینی چاقوکشان حزب الهی
درسوند

در صفحه ۳

اعتصاب غذا در اعتراض به جنگ

در صفحه آخر

گزارشی از سفری پنهانی به شبلی

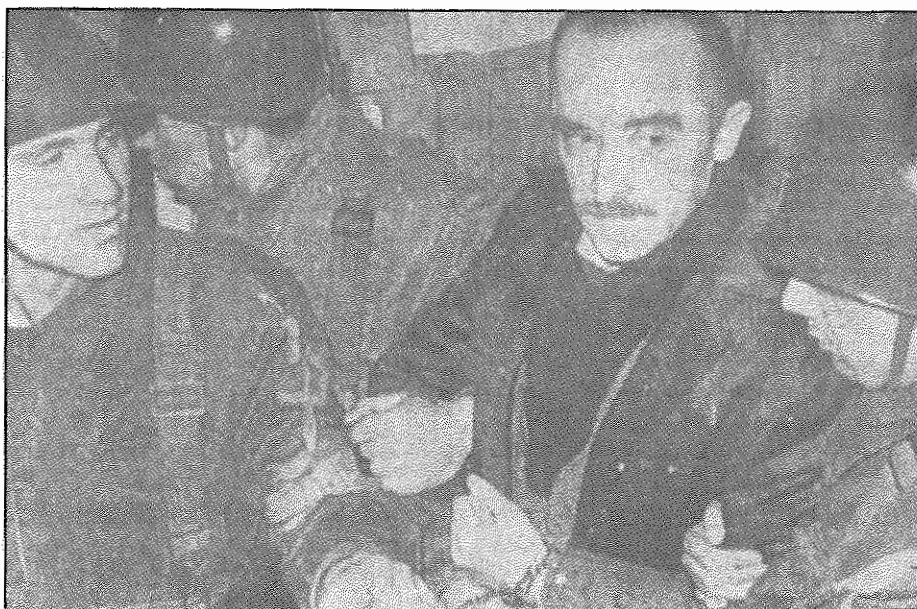
در صفحه ۸

خروج نیروهای شوروی از افغانستان

آغاز شد

در صفحه آخر

از شکنجه‌های حیدر کوتلو در زندان



امنیتی آنکارا برداشته شده است، چاپ کرد. بقیه در صفحه ۳

عکسی را که از حیدر کوتلو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه در زندان

هفته گذشته روزنامه "اومانیته" ارگان حزب کمونیست فرانسه، آخرین

تشدید جنگ نفتکش ها

بقیه از صفحه اول

تاسیسات نفتی جمهوری اسلامی شوند.

شرکت های بیمه و نیز انحصارات نفتی خریدار نفت ایران در هفته گذشته اعلام کردند حملات اخیر عراق، در امر صدور نفت ایران اختلال مهمی پدید نیاورده است. اما شواهد متعددی نشان می دهند که عراق به این حملات، بسنده نکرده و از این پس حملات خود را بیش از گذشته متوجه پایانه های نفتی جمهوری اسلامی خواهد کرد. رژیم متوجه این مساله شده است و آشکارا از پیامدهای آن نگران است. هرگونه اختلالی در امر صدور نفت مستقیماً بر روی تدارکات جنگی رژیم اثر خواهد گذاشت و بر تکنگاهای فعلی فکرها خواهد افزود.

جمهوری اسلامی پس از حمله عراق به چهار نفتکش مستقر در نزدیکی جزیره لارک، اعلام کرد که این حملات با کمک آمریکا صورت گرفته است. رژیم مجدداً

در "لارک" اسکله بارگیری ایجاد کرده است. رژیم از طریق این ادعا، که دروقی بیش نبود، می خواست و نمود سازد که تشدید جنگ دریایی صدور نفت را دچار اختلال نخواهد کرد. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۰ تیر سال ۱۳۶۵ در صفحه اول خود از قول مقامات رژیم با تیرتری درشت اعلام کرد: "بهره برداری از ترمینال نفتی جزیره لارک آغاز شد" و در زیر این تیتر نوشت: "با به کارگیری این ترمینال، صدور نفت به دور از هر گونه خطر احتمالی انجام خواهد شد." حمله اخیر عراق پوچ بودن این ادعا را ثابت کرد و جمهوری اسلامی را به شدت نگران ساخت. هاشمی رفسنجانی، در نماز جمعه هفته گذشته از قدرتهای قریبی خواست منافع خود را در نظر بگیرند و مانع حمله عراق به نفتکشها و



حمله هواپیمای عراق به "نفتکشهای ذخیره" مستقر در جزایر لارک، به شدت موجب نگرانی رژیم از آینده صدور نفت شده است.

است که در چه تنگنایی قرار دارد، برای بازی کردن بازمان به منظور دیدن تدارک برای انجام یک نقشه جنگی بی سرانجام تازه، باز هم به بازی های دیپلماتیک رو آورده است. رژیم مجدداً این نقشه را ساز کرده که از ابتکارات سازمان ملل پشتیبانی می کند و این عراق است که به قطعنامه ۵۹۸ گردن نمی گذارد. این تم تبلیغاتی در روز شنبه گذشته بر زبان نماینده رژیم در سازمان ملل جاری شد. اما این بازی هادیگر نمی گیرد و حتی نمی تواند رضایت خاطر همه جناح های رژیم را، که به تدریج درگیری هایشان بر سرنحوه پیشبرد جنگ هلنی می شود، جلب کند. مبارزه ضدجنگ، مبارزه ای که می بایست با تمام توان در جهت سازمانگری و گسترش آن تلاش کرد، می تواند و باید که فریبکاری های رژیم را خنثی کند و با نشانه گرفتن یکی از ارکان اصلی هویت رژیم، تنگنایی را که حکومت بر سر مساله جنگ در آن گرفتار است، به تنگنای کل حاکمیت جمهوری اسلامی بدل سازد.

برای گرفتن یک پز تبلیغاتی تهدیدآمیز اعلام کرد در صورت تداوم حملات، تنگه هرمز را خواهد بست و برای این که عکس العملی نشان داده باشد دست به اقدام مذبحانه ای زد. قایق های توپدار سپاه پاسداران به دو نفتکش ژاپنی و نوژی حمله بردند و به آنها خساراتی وارد کردند.

تشدید جنگ دریایی فوراً مورد بهره برداری آمریکا قرار گرفت. آمریکا مجدداً اعلام کرد که از کشتی های بی طرفی که مورد حمله قرار گیرند و کمک بطلبند، حمایت خواهد کرد. آمریکا همچنین فوراً تقاضای دولت اسپانیا مبنی بر حمایت از نفتکش های این کشور را پذیرفت. یکی از نفتکش هایی که در اطراف لارک مورد حمله قرار گرفته بود، به اسپانیا تعلق داشت.

جمهوری اسلامی متوجه وخامت اوضاع شده است و بویژه بعد از شکست فاو و بالاگرفتن بحران در خلیج فارس پی برده

جمهوری اسلامی به روزنامه آمریکایی "نیویورک تایمز":

«جاناسخن از زبان مامی گویی»

کیهان یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۷

پیشنهاد ابتکار سیاسی تازه

روزنامه نیویورک تایمز (۶۷/۷۲۰) با درج مقاله ای خواستار تلاش دیپلماتیک کاخ سفید برای پایان دادن جنگ عراق علیه ایران شد. به عقیده این روزنامه پیشنهاد ایران جهت تشکیل هیات معرفی متجاوز می تواند با حمایت آمریکا پایه ابتکار سیاسی تازه ای جهت خاتمه جنگ باشد. نیویورک تایمز در ادامه می افزاید: شاید لازم باشد واشنگتن جهت پایان دادن به جنگ فرمول جدیدی در رابطه با شناسائی متجاوز به تهران پیشنهاد کند تا رهبران ایران با رغبت بیشتری در این زمینه تصمیم بگیرند. نیویورک تایمز ایستادگی عراق در برابر طرح ایران را پیش بینی می کند و می نویسد: «برای موفقیت این طرح عراق باید تحت فشار قرار گیرد. ایران کشوری مهم و مستعدی طبیعی و استراتژیک علیه شوروی است. روابط ایران و آمریکا یکسروز سرانجام از سر گرفته خواهد شد و این اقدام هر چه زودتر باشد بهتر است. پس چرا نمی گذاریم ایران راه مسالمت آمیز خودش را برای پایان دادن به جنگ طی کند.»

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

سخنان عید فطر خمینی بازتاب در ماندگی رژیم

بقیه از صفحه اول

سر دلجویی از رسالتی‌ها برآمده است. خمینی سپس به جنگ اشاره کرد (بدون اینکه مستقیماً از ضربه سختی که عراق باصله به لارک و فاو به جمهوری اسلامی وارد آورده است سخن بگوید) و بالحنی که اظهار هجرت و ضعف در آن کاملاً مشهود بود، گفت تنها دهایی که می‌تواند برای صدام حسین و حامیانش بکند، این است که "خدا مرگشان بدهد" تا بیش از این "معصیت" نکنند. خلیفه چهارم، دیکتاتور عراق را به "جهنم" حواله داد، جهنمی در آخرت، و نه در این دنیا، که به گفته خمینی هر چه گناهان صدام حسین بیشتر شود، آتش آن نیز داغ‌تر و سوزنده‌تر خواهد بود.

سخنان هجرت‌آمیز خمینی، بیهوده هم نیست، فعلا این صدام حسین است که در همین دنیا، و نه در آخرت، آتش برپا کرده است و نیت کش‌هایی را که برای رژیم تنها از مجاری تنفسی هم مهم‌ترند، می‌سوزاند. باز پس گرفتن فاو توسط عراق، عدم توانایی انجام حمله وسیع از سوی جمهوری اسلامی علیه رژیم بیشترین فشار برای بسیج نیرو و علیه رژیم موشک باران دو ماهه شهرهای ایران و ضربه سخت لارک، سه حلقه از زنجیر شکست‌های بی‌پایی رژیم در جنگند. این زنجیر، در داخل کشور با رشته بی‌پایان شدیدترین درگیری‌های درون حکومتی که همزمان با انتخابات مجلس روی داد، درهم تنیده شده است. درماندگی، تشتت می‌آورد. درمغته گذشته رادیوی رژیم گزارش داد گلپایگانی و مرعشی نجفی، دو مرجع تقلید اصلی داخل کشور (به غیر از خمینی) از "انتساب نظراتی" به خود اظهار تاسف کرده‌اند. پیش از این اخباری حاکی از مخالفت این دو آخوند با جنگ پخش شده بود. همچنین پس از انتشار این خبر، "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" نیز در اعلامیه‌ای نسبت به سیاست جنگی خمینی اعلام وفاداری کرد. این ابراز وفاداری پس از انتقاد روزنامه رسالت از بسیج گسترده نیرو بدون انجام عملیات در جبهه‌ها صورت گرفت،

انتقادی که برای روزنامه‌ها گام نخست در ورود به "حوزه ممنوعه" سیاست جنگی محسوب می‌شود. طبق گزارش‌های گلپایگانی و نجفی مرعشی در نامه‌ای به خمینی خواستار پایان جنگ و مذاکره با عربستان برای ایزام حجاج ایرانی شده بودند. این گزارش‌ها می‌افزاید خمینی پاسخ داده است "به جای قیل و قال، دعا کنید خمینی بمیرد". بازتاب غیر مستقیم این رویداد در اخبار رادیوی رژیم، منطقی حاکمی از تشنجاتی است که در این رابطه در قم روی داده است. گزارش‌های دیگری حاکمی است نتایج انتخابات در اصفهان نیز تشنج برانگیخته است. طرفداران جناح مغلوب در انتخابات، طبق این گزارش‌ها شعار "مرگ بر طاهری" داده‌اند (طاهری امام جمعه اصفهان و نماینده خمینی است). علاوه بر این، گزارش‌ها حاکی است که همزمان با انتخابات در اصفهان و چند شهر دیگر تظاهراتی علیه جنگ شکل گرفت. در چنین شرایطی است که خمینی در سخنان عید فطر خود، از آخوندها می‌خواهد جاه طلبی‌های شخصی را کنار بگذارند و به فکر آینده حکومت اسلامی باشند. خلیفه چهارم که در پیام انتخابات خود، گفته بود "اسلام مستضعفان" باید "اسلام آمریکایی" را در انتخابات شکست بدهد، حال از لازم و مفید بودن "اختلاف سلیمه" می‌گوید. هم‌آن نشان از درماندگی داشت و هم این. این بار سکه "مستضعف پناهی" خیلی زود رنگ باخت. ضربات وارده به رژیم، سنگین‌تر و مخمضه، سخت‌تر از آن است که خمینی بتواند به راحتی از حمایت فعال جناح مغلوب چشم‌پوشی کند. موج ضربات بی‌پایی به حکومت فقها، تاچه حد نیرومند است؟ رژیم تاچه حد خواهد توانست خود را از هواقب این سلسله ضربات برهانند؟ درماندگی در جنگ، درماندگی اقتصادی، تشتت خودی‌ها و... همه و همه، علامت سؤال بزرگی است که سرکردگان درمانده رژیم دیگر قادر به تکیان آن نیستند.

فاجعه آفرینی چاقوکشان حزب الهی در سوئد

مسئولین بیمارستان شدت جراحی وارده به هموطنی که از ناحیه قلب آسیب دیدار را در آستانه مرگ قرار داده است. پلیس استکلم یکی از چاقوکشان را در محل حادثه و دو تن دیگر را هنگام فرار دستگیر کرد. به عقیده گواهان حادثه علیه‌رغم آنکه برای پلیس احتمال فاجعه‌آفرینی چاقوکشان محرز بود، اما هیچ اقدام مشخصی جهت جلوگیری از بروز آن انجام نگرفته بود. خبر این حادثه که روز پنج‌شنبه ۱۳ مه روی داد، در روزنامه‌های سوئد بازتاب یافت و انزجار محافل مترقی این کشور را برانگیخت. اوباشگری‌های حزب الهی‌های طرفدار خمینی در خارج از کشور چهره واقعی رژیم و ولایت فقیه را هر چه بیشتر در برابر دیدگان جهانیان هریان می‌کند. □

در پی حمله ناگهانی تعدادی از چاقوکش‌های حزب الهی به گردمهایی اعتراضی و افشاگرانه پناهندگان و مهاجرین مبارز ایرانی در استکلم سه تن از هم‌میهنان ما بشدت آسیب دیدند. تروریست‌های طرفدار رژیم خمینی که به مناسبت "روز قدس" به دستور سفارت جمهوری اسلامی جمع شده بودند تا برای خلق فلسطین اشک تمساح بریزند، در برابر شعارها و اعتراضات هماهنگ صداها تن از ایرانیان مبارز تاب نیاوردند. فریادهای "مرگ بر خمینی"، "مردم، تظاهرات تروریست‌ها را متوقف کنید" همان اختیار را از دست اوباشان ربود و ناگهان برخی از آنان با زنجیر، چماق و چاقو به سوی ایرانیان حمله‌ور شدند و سه تن از هم‌میهنان ما را از ناحیه قلب، کتف و دست مجروح کردند. مجروحین به بیمارستان انتقال یافتند. به گفته

از شکنجه‌های حیدر کوتلو در زندان

بقیه از صفحه اول

دانستن نام رفقای کوتلو و سارگین در ترکیه بوده است. کوتلو می‌افزاید: "در مدتی که در مقر مرکزی پلیس گذراندم، به من تنها دوبار اجازه دادند برای چند ساعت بخوابم." در صورت جلسه آمده است هر چه زمان بیشتری از دستگیری می‌گذشت، شکنجه‌ها سخت‌تر می‌شد. او را ساهت‌ها در برابر یک چراغ قوی و خیره کننده بازجویی کرده‌اند. کوتلو احتمال می‌دهد همراه با چای، به او داروهای برای شکستن اراده و قدرت مقاومتش داده باشند. وی افزوده است شوک الکتریکی نیز از جمله شکنجه‌هایی بود که علیه او اعمال شده است: "به نقاط حساس بدن و دستان من برق وصل کردند، آب را با فشار به من پاشیدند، دوباره برق وصل کردند و مرتباً سئوالات را تکرار کردند." کوتلو گفته است با وجود بیماری قلبی اش، بارها نگذاشته‌اند پزشک او را معاینه کند. به گفته حیدر کوتلو، او در جریان بازجویی صدای فویاد شیمات سارگین را نیز شنیده است که نشانه شکنجه شدن سارگین بود. □

همزمان با انتشار این هکس، جزئیاتی نیز از گفته‌های کوتلو هنگام دیدار با بازپرس منتشر شد. وی به بازپرس گفته است ماموران پلیس رژیم ترکیه او را به مجروح دستگیری تحت شکنجه قرار دادند. طبق گفته کوتلو، او را در جریان بازجویی هریان کرده، دستان و چشم‌هایش را بسته و آب سرد شکنجه داده‌اند. کوتلو تأکید کرد که نیمهات سارگین دبیر کل حزب کارگر ترکیه نیز پس از دستگیری شکنجه شده است. در اظهارات کوتلو که در صورت جلسه بازپرسی به ثبت رسید، آمده است: "وقتی دوباره به خود آمدم، می‌لرزیدم و قادر به ایستادن بر سرپاهای خود نبودم. به زمین افتادم. آنها دستهای مرا از پشت بایک پارچه خیس بستند و بالا کشیدند. با چیزی شبیه به یک طناب مرا تا نزدیک سقف بالا بردند. نمی‌دانم تا چه مدت به همان حالت باقی ماندم." کوتلو گفته است وی و سارگین را پس از بازداشت در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۸۷، در مجموع ۱۷ روز بدون تماس با خارج، بازجویی کرده‌اند. هدف این بازجویی‌ها،

صدور حکم اعدام

برای چهار زندانی سیاسی

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، شورای عالی قضایی در جلسه روز یکشنبه ۲۵ اردیبهشت احکام اعدام چهار نفر از اعضای گروه‌های سیاسی مخالف رژیم را که قبلاً به تایید دادگاه انقلاب اسلامی رسیده بود، تنفیذ و دستور اجرای آنها را صادر کرد. در گزارش خبرگزاری دولتی به اتهامات و هویت محکومین به اعدام اشاره‌ای نشده. این احکام تنها بخشی از جنایت روزمره رژیم است که سماهلام می‌شود.

تدارک یورش به زنان به بهانه "بدحجابی"

هفته گذشته هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی، بخشی از خطبه‌های نماز جمعه را به مسئله حجاب و مبارزه حزب الله علیه "بدحجابی" اختصاص داد. هاشمی رفسنجانی "بدحجابی" بانوان را "نوعی شیطنیت و توطئه" آمریکا خواند و هشدار داد که "اهمیت همیشه در صحنه" این "توطئه و شیطنیت" آمریکایی رانمی تواند تحمل کند.

اختصاص بخشی از خطبه‌های نماز جمعه تهران به موضوع حجاب بانوان و ارتباط دادن آن به مضحکه توطئه آمریکایی، نشانه آن است که برای یورش اوباشان حزب اللهی به زنان در خیابانهای تهران، تدارک دیده می‌شود.

اوباش‌گرهای جمهوری اسلامی علیه زنان طی ده سال، هر سال و هر روز به بهانه‌های احمال شده است. در هر تابستان مردم تهران و شهرستانها شاهد یورش چماق بدستان و موتور سواران حزب الله به زنان رهگذر به بهانه عدم رعایت حجاب اسلامی هستند. مسئله پوشش و نوع آن نیز خود به هر صافی از مبارزه علیه رژیم تبدیل شده و حکومت اسلامی می‌داند که چه چیز رانمی تواند تحمل کند.

انتقال ارز گذرنامه‌های

در داخل کشور ممنوع شد

طبق تصمیم دولت، از تاریخ ۲۰ اردیبهشت سال جاری انتقال ارز از گذرنامه افراد به گذرنامه اشخاص دیگر در داخل کشور امکان پذیر نخواهد بود و فقط برای خروج از کشور توسط دارنده گذرنامه و یا انتقال به خارج می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

بر اساس همین تصمیم که بصورت بخشنامه به سازمانهای مربوطه ابلاغ شده است، ارزهای انتقالی به گذرنامه‌ها از محل اظهارنامه‌ها، حساب‌ها و یا حواله‌های ارزی مجدداً به گذرنامه و حساب ارزی اشخاص ثالث دیگر در داخل کشور قابل انتقال نیست و تنها دارنده گذرنامه جهت خروج از کشور می‌تواند از آن استفاده کند. در بخشنامه مزبور، به زمان اجرای فروش غیر ارزی پروازهای بین‌المللی شرکت هواپیمایی اشاره‌ای نشده است.

شورای امنیت:

طرفین جنگ ایران و عراق شیمیایی به کار برده‌اند

شورای امنیت سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای ضمن محکوم کردن استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق، از کشورهای جهان خواست صدور مواد شیمیایی به دو کشور ایران و عراق را که ممکن است در تولید سلاحهای شیمیایی بکار روند، شدیداً کنترل کنند.

در مقدمه قطعنامه ۶۱۲ شورای امنیت که در پی انتشار گزارش بهاران شیمیایی حلبچه به تصویب رسید، تاکید شده است که در این دور از درگیری‌های ایران و عراق، سلاحهای شیمیایی به مراتب بیش از گذشته توسط "طرفین جنگ" بکار برده می‌شود. بر اساس قطعنامه ۶۱۲ شورای امنیت

سازمان ملل، کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ ایران و عراق، جدا از سایر مسائل جنگ بررسی خواهد شد و شورای امنیت هر یک از دو کشور ناقص کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو و قطعنامه ۶۱۲ را به شدت مجازات می‌کند.

با وجود اینکه بیش از دو هفته از انتشار قطعنامه شورای امنیت نگذشته است، اخبار منتشره از سوی هر دو طرف ایران و عراق حاکیست که تدارک برای یک جنگ تمام هیار شیمیایی ادامه دارد. هفته گذشته ایران اعلام کرد که عراق شهرهای مرزی سردشت و مریوان را هدف حملات شیمیایی قرار داده است. در این حملات تعدادی کشته و بیش از ۱۵۸ تن زخمی شده‌اند.

شورای نگهبان نتایج انتخابات ۸ حوزه انتخابیه را باطل کرد.

کاندیداهایی است که بر سر صلاحیتش بین شورای نگهبان و وزارت کشور اختلاف وجود دارد. شورای نگهبان صلاحیت الویری را رد کرده و محتشمی معتقد است که الویری باید در مجلس حضور یابد.

شورای نگهبان هنوز هم می‌کوشد علیرغم دستور کتبی خمینی با رد صحت انتخابات برخی حوزه‌ها، تعداد کرسیهای خالی مجلس را برای انتخابات میان دوره‌ای دیگر افزایش دهد. هفته گذشته نتایج انتخابات برخی از حوزه‌های انتخابیه از جمله ساری، طالش، بوئین زهرا و آوج، جیرفت، بیجار، الیگودرز و گرگان از سوی شورای نگهبان باطل اعلام شد و درگیری دو جناح در اصفهان هنوز منعکس نشده است. اکنون مجلس کار خود را با تعدادی صندلی خالی آغاز خواهد کرد تا در ادامه درگیری تکلیف آنها روشن شود.

روز ۲۳ اردیبهشت مرحله دوم انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در ۵۲ حوزه انتخابیه تهران و دیگر شهرهای کشور برگزار شد. در این دور می‌بایست ۷۹ نفر دیگر برای حضور در مجلس تعیین شوند. انتخاب ۱۶ نماینده از ۳۰ نماینده تهران به دور دوم انتخابات موکول شده بود. علیرغم تلاش رسالتی‌ها و شورای نگهبان، در این دور نیز اکثریت آرای صندوق‌ها به کاندیداهای "روحانیون مبارز" و موافقین آن تعلق گرفت. از میان ۳۲ کاندیدای تهران که چهره‌های شناخته شده "رسالتی‌ها"ها از جمله محمد یزدی، ناطق نوری، مسگر اولادی و سعیدامانی در جمع آنان بودند، تنها ناطق نوری وزیر کشور سابق به عنوان نفر چهاردهم در لیست منتخبین دور دوم قرار گرفت و نام مرتضی الویری به عنوان نفر دوم قرائت شد. وی از جمع

اعتراض جامعه داروسازان ایران به مجلس و شورای نگهبان

اعضای هیات مدیره جامعه داروسازان ایران، هفته گذشته با انتشار نامه سرگشاده‌ای به اقدام مجلس و شورای نگهبان مبنی بر تصویب طرح اداره مستقل داروخانه‌ها به وسیله فیر داروسازان "اعتراض کردند".

در نامه اعتراضیه پزشکان داروساز کشور، طرح مصوب مجلس و شورای نگهبان، غیرعلمی، ضد مردمی و برخلاف استانداردهای جهانی امور بهداشت و درمان ارزیابی شده است.

طبق طرح مذکور هر سرمایه دار و تاجری در هر نقطه از کشور، تاسیس داروخانه راسوده تشخیص دهد، می‌تواند بدون آنکه صلاحیت علمی داشته باشد، با جلب حمایت مسئولان محلی داروخانه دایر کند.

در بخشی از نامه اعتراضی جامعه داروسازان ایران در ارزیابی از طرح مصوب مجلس آمده است: "با تصویب این طرح به وضوح خطبطلان بر موجودیت علمی و حضور قانونی دکتر

داروساز و اجرای قانون توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمانهای مناطق بهمداری کشیده شده است. زیر آنجا که پس از تصویب کلیات طرح و قبول امکان اداره مستقل داروخانه به وسیله فیر داروسازان و عدم انطباق آن با موازین علمی و استانداردهای جهانی گفته می‌شود اگر وزارت بهداشت درمان و یا سرمایه‌گذاران نتوانستند مسئولین فنی داروخانه را تامین کنند... راه را برای دخالت هر نوع سرمایه‌گذاری در تاسیس و اداره فیر علمی داروخانه و سوءاستفاده از نفوذ و موقعیتهای محلی در هر نقطه را باز نموده است."

در پایان نامه تاکید شده است که جامعه داروسازان ایران "تحت هیچ گونه شرایطی با تفویض اختیارات مکتسبه علمی و فنی داروسازی در هیچ نقطه میهن اسلامی به سرمایه‌گذاران فیر داروساز موافقت نداشته و نخواهند داشت."

جنگ زدگان

نمی‌بینند...

...اهواز از هر نظر سیمای کامل یک شهر جنگ‌زده را دارد؛ با خیابانهای مملو از سرباز و جوانان بیکاری که بی‌هدف پرسه می‌زنند. جوانان بیکار در تلاش معاش به هر کاری دست می‌زنند. برخی از آنها را می‌بینی که در پیاده‌رو نشسته‌اند، کوپن می‌دوزند و همانجا به مشتری می‌فروشند... اهواز به شدت کثیف است. همه جا آلوده است تل زباله این گوشه و آن گوشه دیده می‌شود. گرانی اجناس و ارزاق باور نکردنی است... هر روز چندبار آژیر ضد هوایی به صدا درمی‌آید اما با وجود این شهر از شدت ازدحام جمعیت در حال انقباض است. مردم به کجا می‌توانند بروند؟...

اسمال واستغراف هستند، هیچ خانواده‌ای، هر چقدر که تعداد اعضای آن زیاد باشد، نمی‌تواند دو اتاق داشته باشد. به طور متوسط هر اتاق ۶ نفر زندگی می‌کنند.

شهرکهای اطراف دزفول فاقد وسایل خدماتی عمومی هستند. شهرک حمزه مستثنی است. این شهرک را در آغاز جنگ ساخته بودند و در آن مردم عرب منطقه اشغال شده بستان را جا داده بودند، الان خیلی از مردم دزفول هم به این شهرک که در پانزده کیلومتری شمال این شهر واقع است، پناه آورده‌اند. شهرک حمزه ناتواپی دارد. حمام هم دارد که البته کاملاً غیر بهداشتی است. گرداگرد شهرک حمزه پادگان‌های نظامی ساخته‌اند. فاصله پادگانها با شهرک پانصد متر هم نمی‌شود. به همین خاطر مردم در این شهرک هم اکنون خود را از خطر بمباران در امان

آوارگان جنگی را در دزفول در شهرک‌هایی دور از شهر جا داده‌اند؛ شهرک‌هایی که با اتاقک‌های حلبی ساخته شده‌اند. اسم این اتاقک‌ها را گذاشته‌اند کانتینر. خیلی از اهالی دزفول هم در این شهرک‌ها برای خود اتاقکی ساخته‌اند. آنها در روزهای بمباران شهر را خالی می‌کنند و به این حلبی‌آبادها پناه می‌برند.

در این شهرک‌ها خبری از بهداشت نیست. برای هر چند خانواده چاله‌ای کنند و سرش را پوشانند بجای توالت. در هر شهرک تعدادی شیر آب هم نصب شده است. به هر چهار خانوار یک شیر آب می‌رسد.

زندگی در اتاقک‌های این شهرک‌ها طاقت فرساست. شدت گرما در اتاقک‌های حلبی طی ساعات روز دیوانه کننده است. اغلب کودکان در اثر شدت گرما و محیط آلوده دچار

صف

از میان نامه یک دانشجویی که به میهن سفر کرد:

می‌شد...

بالاخره به مراحل تحویل گرفتن بار و چمدان رسیدیم و باز هم صف. صف واریسی بارو وسایل مسافری. اینجا از هیچ کس نمی‌شد روی خوش دید. همه شمردی بودند. اگر کسی خوش شانس بود گیر ماموری می‌افتاد که خسته بود و نمی‌توانست خیلی اذیت کند. اینجا علاوه بر واریسی وسایل، سؤال و جواب هم می‌کردند. اگر به کسی بند می‌کردند علاوه بر اینکه همه چیز را بکلی بهم می‌ریختند، برای او گمرک هم می‌نوشتند. نوشتن گمرک هیچ حساب و کتابی نداشت.

صف بعدی برای مسافری صف خرید از فروشگاه شاهد بود. این فروشگاه را بنیاد شهید در فرودگاه راه انداخت. ظاهر برای حمایت از صنایع داخلی اما در حقیقت برای بدست آوردن ارز. زیرا در اینجا فقط با دلار می‌توان خرید کرد. اجناسی که از این فروشگاه خرید می‌شود از معافیت گمرکی برخوردار است. در اینجا اجناسی مثل فرش، یخچال، پلوپز، تلویزیون و چرخ گوشت فروخته می‌شود. صف اینجا هم خیلی دراز بود. همه مسافری بازاری و پولدار توی این صف جا گرفته بودند زیرا اجناس خریداری شده را در بیرون می‌توانستند با سود خوبی بفروشند. من معطل این صف نشدم. زیرا برای خرید از فروشگاه شاهد حداقل هزار دلار لازم است.

آخرین صف فرودگاه صف بازرسی کیف دستی است. بعد از اینکه پاسدارهای اینجا کارشان را تمام کردند، نفسی براحتی کشیدم و از فرودگاه بیرون زدم.

چند روز که گذشت تازه فهمیدم که صف منحصر به فرودگاه نیست، برای همه چیز باید خود را در یک صفی بگنجانی. اینجا زندگی صفی است. اولین بار چند روز پس از ورودم بود که همراه برادرم برای خرید میوه رفتیم صف درازی دیدم که باور نکردنی است. دویست

اولین صفی که در آن ایستادم، صف ورود به کشور در فرودگاه مهرآباد بود. با تجربه ترها که وضع را می‌دانستند زودتر خود را به جلو کشانده بودند و به سرعت دو صف دراز تشکیل شد که نزدیک ۵۰ نفر را در خود جای می‌داد. ماموری که می‌بایست به گذرنامه‌ها معر و ورود بزند با بی‌تفاوتی قدم می‌زد و با اوقات تلخی به مان نگاه می‌کرد. انگار داشت صف ما را سان می‌دید و ما منتظر که کی قدم زدن ایشان تمام می‌شود. پس از مدتی که اعتراضات مسافران خسته بالا گرفت مامور رفت به سر صف و به مردی که اول صف ایستاده بود گفت: "آقا شما بفرمائید آن طرف".

و با تشریح به نفر بعدی که یک خانم گفت: "توبرو اونور!" و به همین ترتیب تا نفر آخر همه را جابجا کرد و به سر باجه دیگری برد. بعد از اینکه به هر ترتیب این مامور همه را راه انداخت، صف بعدی تشکیل شد. این بار نوبت "کمیته" بود که مسافری را چک کند. پاسدار در باجه‌ای نشسته بود که روی شیشه‌های آن پوستری بنیاد شهید و کمیته و سپاه را چسبانده بودند. داخل باجه را کسی نمی‌توانست ببیند که کی آنجا نشسته و چه می‌کند. پاسپورتها را که می‌گرفت پس از چند دقیقه پس می‌داد. به نزدیکی‌های باجه که رسیدم دیدم مسافری که گذرنامه‌اش را به کمیته چی داده بود، برگشت و رو به دیگر مسافران با وحشت پرسید: "چرا دارد اسم مرا می‌نویسد؟" اما ظاهراً ترسش بی‌پایه بود. کمیته چی اسم همه را در دفتری ثبت می‌کرد.

صف بعدی صفی بود برای پر کردن اظهارنامه ارزی. هر کسی که پول خارجی به همراه داشت می‌بایست این اظهارنامه را پر کند. سئوالات عجیب و غریب این اظهارنامه طوری بود که کسی نمی‌توانست آن را کامل پر کند. همه مجبور بودند مدام از چند کارمندی که آنجا نشسته بودند برای نحوه پر کردن آن سؤال کنند. پس از پایان این کار تازه بازبینی برای شمارش ارز آغاز

سیصد نفر منتظر نارنگی بودند؛ نارنگی دولتی کیلویی ۲۰ تومان. نرخ نارنگی در بازار آزاد ۵۰ تومان بود. آخر صف دکهای بود که روی آنرا پراز عکس‌های خمینی و منتظری کرده بودند. دکه مال کمیته بود. نمی‌دانم کدام کمیته؟ کمیته انقلاب اسلامی، کمیته امداد و یا...؟ دکه را پیرمرد مغفولکی اداره می‌کرد و همراه بایک پسر بچه، دم باجه صدوقتی شیشه‌ای گذاشته بودند که رویش نوشته شده بود: حساب ۱۰۰ امام. توی شیشه چند تا اسکناس و سکه هم انداخته بودند. از دکه صدای نوار نوحه پخش می‌شد. خواننده کودکی بود که برای پدر شهیدش نوحه می‌خواند. پسرک فرو شده می‌آمد و می‌رفت و صدای ضبط را بلند می‌کرد. چنان گوش خراش می‌شد که حوصله پیرمرد هم سر می‌رفت و پسرک را به بادکتک می‌گرفت.

مردمان توی صف از هر دری صحبت می‌کردند، بی‌ترس و واژه. من کمی فافلگیر شدم. مردم خیلی راحت از جنگ و علیه جنگ و رژیم و راجع به بدبختی‌هایشان حرف می‌زدند. ناگهان توجه همه به آخوندی جلب شد که دامن هبایش را بقل کرده بود و به طرف جلوی صف می‌رفت. یکی از میان صف داد کشید: "او هووی... حاج آقا کجا می‌ری. ته صف اونجاست!" آخوند که کففت شده بود با دلخوری جواب داد: "نمی‌خواهم میوه بخرم". جوان پشت سری ام رو به اطرافیان کرد و گفت: "اینجا خیلی رو دارند. همیشه از همه جلو می‌زنند. نباید ترسید. باید جلویشان ایستاد... یکبار تو صف گواهینامه ایستاده بودم ملایبی خواست جلو بزنه. رفتم و جلویش را گرفتم..."

بعد از سه ساعت ۵ کیلو نارنگی گرفتیم و رفتم. زنی که پیش از من نارنگی خریده بود، نایلویش پاره شد و همه نارنگی‌هایش در گل ولای ولو شد. او با عصیانیت رو کرد و به رهگذرها و گفت: "نایلون‌هایشان هم مثل خودشان مزخرفه!"

نگاهی به مسئله بیکاری و دگرگونی در توزیع اشتغال

سهم بخش صنعت در جذب نیروی کار از ۳۴ درصد در سال ۵۵ به ۲۵ درصد در سال ۶۵ تنزل کرد

بتیاه از صفحه اول
کار بشمار می آیند. اگر اشتغال و رشد آن محصول افزایش سرمایه گذاری و بسط یافتن حیطه فعالیت اقتصادی کشور باشد، بیکاری و نرخ آن تابع عرضه نیروی کار، تابع رشد جمعیت کشور است. یکی از مسائل توضیح دهنده بیکاری، همانا امکان جذب نیروی کار، سطح اشتغال جدید، و ترکیب توزیع نیروی کار در هر صدهای مختلف اقتصادی است. با استناد به آمار و داده های اقتصادی سالنامه های آماری و ارقام و آمار رسمی تاکنون منتشر شده و از جمله جداول مندرج در کیهان ۲۷ فروردین، تلاش می گردد به عوامل اصلی موجد بیکاری در کشور اشاره گردد.

رشد جمعیت

نرخ رشد جمعیت، یکی از عوامل موثر در بیکاری است. رشد جمعیت به خودی خود به معنی عرضه بیشتر نیروی کار است. هرگاه عرضه فعالیت های اقتصادی کشور توانائی جذب سالیانه "جمعیت افزوده" را نداشته باشد، موضوع بیکاری فزاینده رخ می دهد. در مقایسه با کشورهای سرمایه داری پیشرفته، باید گفت که بیکاری موجود در جوامع نارشد یافته و سرمایه داری وابسته، باشتابی فوق العاده افزایش می یابد. بیکاری اگر بمثابة یک مسئله اجتماعی در جوامع مبتنی بر نظم سرمایه داری، یک موضوع فراگیر بشمار می آید، ولی ارتش عظیم و پر شمار بیکاران در کشورهای سرمایه داری وابسته و از جمله ایران، نشانه بارز بحران حاد و دائمی اقتصاد است. در کشورهای سرمایه داری پیشرفته، بیکاری یکی از عواملی است که صاحبان سرمایه با استفاده از آن در پائین نگاه داشتن سطح دستمزدها بهره می جویند اما مسئله بیکاری مثلا در ایران، ابعادی ویژه دارد. جمعیت کشور با نرخ رشد نسبتا بالائی افزایش می یابد، حال آنکه با فرار سرمایه از هر صدهای تولیدی به هر صدهای نامولد، با محدود ماندن سطح سرمایه گذاریهای

جدید، امکان استفاده از نیروی کار تولید شده سالیانه ممکن نمی گردد. بر اساس آخرین سرشماری نفوس، نرخ رشد سالانه جمعیت کشور به ۳٫۵۷ درصد، بالغ شده است که در مقایسه با نرخ رشد جمعیت در کشورهای دیگر، نرخ رشد بالائی محسوب می شود. جمعیت کشور بر اساس سرشماری نفوس سال ۱۳۶۵ به رقم ۴۹٫۷۶ میلیون نفر رسید که تنها در مقایسه با سال ۱۳۵۵، پنجاه درصد بیشتر شده است. بر اساس همین نرخ رشد، جمعیت کشور در سالهای نخستین دهه ۷۰ به میزان دو برابر سال ۱۳۵۵ خواهد رسید. جدول شماره یک رشد جمعیت را بررسی می کند

جدول شماره یک

سال	۱۲۶۰	۱۳۳۰	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۸۰
جمعیت	۷٫۶۵	۱۶٫۲	۲۵٫۷۸	۳۳٫۷	۴۹٫۷۶	۸۳

بر اساس آمار مندرج در این جدول، اگر جمعیت کشور در فاصله ۷۰ سال بین ۱۲۶۰ تا ۱۳۳۰، به دو برابر بالغ شد، در شرایط حاضر تنها در زمان کمتر از ۲۰ سال جمعیت کشور دو برابر می شود. بر اساس نرخ رشد جمعیت کشور، هر ساله نزدیک به ۲ میلیون نفر به نیروی کار موجود در جامعه افزوده می گردد. عدم برنامه ریزی دقیق و عدم سرمایه گذاری جدید باعث

جدول شماره ۲

شافلین ده ساله و بالاتر بر حسب فعالیت در بخش های مختلف اقتصاد در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۶۵

گروه عمده شافلین	سرشماری ۱۳۳۵	سرشماری ۱۳۴۵	سرشماری ۱۳۵۵	سرشماری ۱۳۶۵
جمع شافلین - درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱- کشاورزی	۵۶٫۳	۴۶٫۲	۳۴	۲۹٫۱
۲- صنعت	۲۰٫۱	۲۷	۳۴٫۲	۲۵٫۵
۳- خدمات	۲۳٫۶	۲۶٫۷	۳۱٫۸	۴۵٫۴

خواهد شد که بخش اعظم این "جمعیت افزوده" سالانه به میزان بیکاری موجود اضافه گردد. از سوی دیگر رشد مناسبات سرمایه داری در ایران در دهه ۴۰ و ۵۰، باعث آن شد که بخش قابل ملاحظه ای از تولید گران سنتی و شافلین بخش سنتی ورشکسته شده به حقوق بگیران تبدیل شدند. اندکی از آنان نیز خود راه سطح کارفرمایان رسانند. از سوی دیگر تمرکز تولید واحداث واحدهای تولیدی بزرگتر و گذار از تولید سنتی به تولید صنعتی باعث آن گردید که در ترکیب و توزیع اشتغال تغییرات جدی بوجود آید. در فاصله زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵، تعداد کارفرمایان از ۱۶ درصد (واحد: میلیون نفر)

نیروی شافلین به ۲۷٫۱ درصد افزایش یافت حال آنکه از میزان شافلین بخش سنتی اقتصاد (کشاورزی فردی، صنایع دستی و...) در همین فاصله زمانی بشدت کاسته شد. آمار این بخش از شافلین که در سال ۱۳۳۵ معادل ۴۱٫۲ درصد جمعیت شافلین کشور بود در سال ۱۳۵۵ به ۳۲ درصد رسید. متقابلا مجموع نیروهای مزد و حقوق بگیر بخش دولتی و خصوصی در این فاصله زمانی از ۴۵٫۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به

۵۳٫۹ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت. سال گذشته، مسئولین رژیم جمهوری اسلامی اعلام کردند که سالیانه بالغ بر پانصد هزار نفر بر میزان بیکاری افزوده می گردد، بر اساس آنچه در فوق آمد و با توجه به میزان ناچیز سرمایه گذاریهای جدید بخش دولتی و خصوصی، به ویژه در صنایع و واحدهای تولیدی رقم رشد بیکاری ناشی از پیوست نیروی کار موجود در "جمعیت افزوده" سالانه، بمراتب بیش از رقم فوق الذکر می باشد.

رشد بیکاری از زاویه ترکیب اشتغال

رشد بیکاری در جامعه ایران تنها محصول عرضه بیش از تقاضای نیروی کار ناشی از "جمعیت افزوده" نیست، بلکه ترکیب و توزیع نیروی کار در هر صدهای مختلف اقتصاد کشور نیز، از جمله موارد جدی تولید "بیکاری پنهان" و "بیکاری فصلی" است. حتی اگر از میزان اخراجها و آمار سرسام آور "باز خرید اجباری" کارگران در دو سال اخیر که بنا به اعتراف خود مسئولین به رقم میلیونی رسیده است نیز صرف نظر کنیم، به مثابه یک پدیده موقت در افزایش ناگهانی بیکاری در نظر گیریم - تغییر و جابجائی نیروی شافلین در هر صدهای مختلف اقتصادی خود عامل فوق العاده موثری در افزایش نرخ بیکاری بحساب می آید.

رشد مناسبات سرمایه داری در ایران و قدرت گیری نقش دولت در اقتصاد کشور که از ویژگی های رشد مناسبات سرمایه داری ایران به حساب می آید، باعث بهره جویی از نیروی کار موجود در جامعه گردید. تعداد مزد و حقوق بگیران بخش دولتی که در سال ۱۳۳۵ ۷٫۶ درصد نیروی شافلین کشور بود، در سال ۱۳۵۵ به ۱۹ درصد بالغ شد. تاهنجاری و از هم گسیختگی یافت اقتصادی کشور منجر به "تولید گریزی سرمایه" گردید. با رشد و گسترش مناسبات سرمایه داری در ایران، هر صدهای

از شهادت فدائیان خلق امیر پرویز پویان، اسکندر صادقی نژاد، رحمت پیر و نذیری
و از شهادت بهروز دهقانی در زیر شکنجه

۱۷ سال گذشت

گر بدین سان زیست باید پست

من چه بی شرمم اگر فانوس عمرم را به رسوائی نیاویزم

بر بلند کاج خشک کوچه بن بست

گر بدین سان زیست باید پاک

من چه ناپاکم اگر تنشام از ایمان خود، چون کوه

یادگاری جاودانه بر ترازی بقای خاک!

«احمد شاملو»



فدائی شهید امیر پرویز پویان

بی‌کاری، ابعاد وسیعی یافته است. سرمایه‌گذاری ناچیز دولتی (۸۵ میلیارد تومان در سال ۱۳۶۵) قادر به جذب نیروی کار نیست و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز بدین کار رفتنی نشان نمی‌دهد. بیکاری بطور مداوم افزایش می‌یابد و مناسبات سرمایه‌داری وابسته، رشد ناموزون اقتصادی و نامنجاری و از همگسیختگی فعالیت اقتصادی باعث آن خواهد شد که در سالهای آتی همه ساله بخش اعظم جمعیت ۴ میلیون نفره^۱ به ارتش بیکاران که تا ۵ میلیون نفر برآورد می‌شود، افزوده گردند. در شرایط مناسبات سرمایه‌داری وابسته، نوزادان، بیکار متولد می‌شوند! □

و صنعت در اختصاص نیروی کار، بخش خدمات بارشد فوق‌العاده خود تنها در فاصله زمانی سی ساله اخیر نزدیک به ۲ برابر رشد یافته است و در سرشماری ۱۳۶۵ معادل ۴۵٫۴ درصد کل نیروی شافل رابه خود اختصاص داده‌است. رشد بخش خدمات در مقابل کاهش سهم دو بخش کشاورزی و صنعت در اختصاص نیروی کار، همانا نشانه بارز فرار و گرایش سرمایه به هرصه‌های غیرمولد است. این بدین معناست که حجم نجومی سرمایه موجود در بخش خصوصی نه در هرصه سرمایه‌گذاریهای تولیدی که در هرصه توزیع و خدمات سرآزیر شده و قادر نیست نیروی فزاینده^۲ جمعیت افزوده^۳ سالیانه کشور را جذب نماید.

دلالت دارند که نیروی شافل در بخش کشاورزی (شامل زراعت، دامپروری، ماهیگیری) در فاصله سی ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ به شدت کاهش یافته و از ۵۶٫۳ درصد کل مجموع شافلین در سال ۱۳۳۵ به ۲۹٫۱ درصد در سال ۱۳۶۵ تنزل یافته است. آمار مربوط به بخش صنعت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. براساس این آمار نیروی شافل در بخش صنعت (شامل استخراج معادن، صنایع، ساختمان، برق، گاز و آب) از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ بطور مداوم رو به رشد بوده و از سال ۱۳۵۵ تا به زمان حاضر، مسیر نزولی یافته‌است. کاهش یکباره سهم بخش صنعت از نیروی شافل از سال ۱۳۵۵ که معادل ۳۴٫۲ درصد شافلین بود به ۲۵٫۵ درصد در سال ۱۳۶۵، نشانه تولیدگریزی سرمایه و گرایش به هرصه خدمات است. این کاهش در شرایطی صورت می‌گیرد که چنانکه خاطر نشان گردید، حجم نقدینگی بخش خصوصی که عمدتاً در اختیار ۲ درصد جمعیت کشور است به رقم نجومی ۱۲٫۵۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ خواهد رسید.

در بین هرصه‌های موجود در بخش صنعت، سهم صنایع در اختصاص نیروی شافل در فاصله زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بیشترین کاهش را نشان می‌دهد. جدول شماره ۳، ترکیب توزیع نیروی شافل در بخش صنعت را نشان می‌دهد. در مقابل کاهش سهم کشاورزی

نامولد اقتصادی - خدمات - و در واقعیت امر بخش بازرگانی داخلی و خارجی، واسطه‌گری، دلالی، بورس بازی، مشارکت در شبکه توزیع، هر چه بیشتر فربه شده و نقش سهم بیشتری از فعالیت اقتصادی رابه خود اختصاص دادند. پایه پای رشد تولید صنعتی - عمدتاً مونتاژ - کشور و مشارکت دولت در پروژه‌های تولیدی بزرگ، سرمایه بخش خصوصی میل به فاصله گرفتن از تولید نمود. در این خصوص لازم به توضیح است که سهم مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی از ۳۸ درصد مجموع نیروی شافل در سال ۱۳۳۵ به ۳۴٫۹ درصد در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت، حال آنکه حجم سرمایه موجود در بخش خصوصی در این فاصله زمانی بشدت در حال افزایش بود. حجم نقدینگی بخش خصوصی در فاصله زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، بالغ بر ده برابر شده است و اینک به رقم نجومی ۱۲٫۵۰۰ میلیارد ریال افزایش یافته‌است. در این خصوص همان بس که گفته شود که رقم نقدینگی بخش خصوصی در سال ۱۳۶۳ بیش از ۲ برابر درآمدهای دولت در بودجه کشور بوده است.

کاهش نسبت حقوق بگیران و مزد بگیران بخش خصوصی به کل جمعیت شافل در فاصله زمانی بیست ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵، بیان گر این واقعیت است که بتدریج در برابر هر کارفرمای بخش خصوصی تعداد کمتری مزد و حقوق بگیر قرار گرفته است. اگر در سال ۱۳۳۵ در برابر هر کارفرمای بخش خصوصی ۳۲٫۷ نفر قرار داشتند در سال ۱۳۵۵ در برابر هر کارفرمای بخش خصوصی تنها ۱۶٫۹ نفر مزد و حقوق بگیر وجود داشته است. کاهش میزان حقوق و مزد بگیران در برابر هر کارفرمای بخش فعالیت بخش خصوصی از هرصه‌های مولد به هرصه‌های نامولد اقتصاد بشمار می‌رود.

جدول شماره ۴، ترکیب توزیع نیروی شافل در بخش‌های مختلف اقتصاد را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول که بر مبنای چهار سرشماری اخیر کشور - در فاصله زمانی ۱۳۳۵ - ۱۳۶۵ - تنظیم شده است، تغییر توزیع نیروی شافل در هرصه‌های مختلف اقتصاد کشور مشهود است:

آمار مندرج در این جدول بر آن

جدول شماره ۳

ترکیب توزیع نیروی کار در بخش‌های مختلف صنعت

شافلین بخش صنعت	سرشماری ۱۳۳۵	سرشماری ۱۳۴۵	سرشماری ۱۳۵۵	سرشماری ۱۳۶۵
مجموع نیروی شافل در بخش صنعت	۲۵٫۱	۲۷	۳۴٫۲	۲۵٫۵
از آن بین:				
استخراج معادن	۵٫۴	۵٫۴	۱	۵٫۳
صنایع	۱۳٫۸	۱۸٫۵	۱۹	۱۳٫۳
ساختمان	۵٫۷	۷٫۴	۱۳٫۵	۱۱٫۱
برق، گاز و آب	۵٫۲	۵٫۸	۵٫۷	۵٫۸

ولودیا تایتل بومیم، عضو هیات سیاسی و دبیر خانه کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی :

گزارشی از سفری پنهانی به شیلی

هفته نامه شوروی "مصر جدید" در شماره ۱۴ سال جاری خود، گزارش سفر پنهانی ولودیا تایتل برویوم، عضو هیات سیاسی و دبیر خانه کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی را به میهنش به قلم خود او درج کرده است. ترجمه بخش اعظم این گزارش را در زیر می خوانیم.

چند ماه پیش وقعه ای در تبعید چند ساله من پیش آمد. من مخفیانه به شیلی رفتم تا در کار پلنوم کمیته مرکزی حزب ما که در اکتبر سال گذشته تشکیل شد، شرکت کنم. این کار من، نقض قوانین پینوشه بود که طبق آن، حزب کمونیست و ورود "اشخاص نامطلوب" به شیلی ممنوع است. منظور از اشخاص نامطلوب، کسانی هستند که نامشان تا امروز هنوز در "لیست سیاه" است برای ما، این نه قانون دیکتاتوری، بلکه قانون زندگی، قانون خلق و قانون عدالت است که اعتبار دارد؛ قانونی که به ما تعهد عضویت در حزب کمونیست و انقلابی بودن را محول کرده است. من و رفقایم می بایست به میهن می رفتیم تا نبض آن را احساس کنیم، تا در فضایی سیاسی و انسانی فوطه ور شویم، تا در میان مردم و همراه با آنها با استبداد مبارزه کنیم.

می پرسید وقتی پلیس هشیار امنیتی را فریب دادیم و پس از سالها جدایی، بالاخره میهن خود را دیدیم، چه احساسی داشتیم؟ در حقیقت، به نظر ما می رسید که میهنمان را هرگز ترک نکرده ایم. ما وقتی با چشمان خود دریافتیم که خلقمان تسلیم نمی شود، که شیلی نه طرفدار، بلکه مخالف پینوشه است، که مردم شیلی به آرمان خود وفادار مانده اند، شادمان شدید و همیقا تحت تاثیر قرار گرفتیم. ما خود شنیدیم که خلق، ساکت ننشسته است و به ناراضی خود، طینینی نیرومند می دهد. خلق، اعتراض می کند، همه جا، روز و شب، بر می آشوبد، به اشکال گوناگون. ما شاهد اعتصاب عمومی ۷ اکتبر سال گذشته بودیم که شورای ملی

رهبری زحمتکشان، آن را سازمان داده بود. شهر فلج شد. در خیابانها، آتش برپا بود. همه جا سنگر می دیدیم. این اعتصاب، باردیگر به ما نشان داد که خلق شیلی، تنها زخم خورده است، که دیکتاتوری موفق نشده است خلق را به سکوت وادارد و روح عصیانگرش را نابود کند.

در سانتیاگو، دو کشور، دو شیلی دیدیم. دریک شیلی، زندگی مطابق آخرین معیارهای مالی بود است، و تجمل، به سرحد جنون می رسید. در این کشور، زندگی به شهر پمپئی در آخرین روز جشن و سرور، اندکی پیش از آن که آتشفشان وزو، شهر را زیر مواد مذاب، مدفون کند، می ماند. جمعیت این کشور، زیاد نیست و از مشتی صاحبان ثروتعالی افسانه ای تجاوز نمی کند. سرویس تبلیغاتی پینوشه از طریق رادیو و تلویزیون، هواغریبانه می گوید به مردم شیلی چنین القا کند که "شیلی کشور مالکان است و نه پرولترها"

شیلی دیگر، کشوری است که در آن، شش میلیون فقیر زندگی می کنند، ۴۵ درصد فقرا از حداقل سطح زندگی محرومند، و برای ۴۶ درصد جمعیت، دستمزدها تنها کفاف خوراک را می دهد و بس. آری، آنها هم "مالک" اند. مالک گرسنگی شان، فقرشان، خشمشان. در چند سال اخیر، درصد بی چیزان در سانتیاگو سه برابر و درصد فقرا دو برابر شده است. بدین گونه است که پینوشه،

یکی از "هفت طرح" معروف خود را تحقق می بخشد، طرحی که هدف آن، "ریشه کن کردن کامل مفرطترین شکل فقر" اعلام شده بود. اما در حقیقت، فقرادر شیلی هرگز مانند امروز فقیر نبوده اند. امروز که از هر ده هزار شیلیایی، یک نفر بسیار ثروتمند است، شش هزار تن از آنها، بسیار فقیرند. و "فقرای جدید" بر فقرای قبلی افزوده می شوند. قشری میانی وجود دارد که در آن، بسیاری جان می کنند تا به سطح

خرده بورژوازی ارتقا یابند.

اما در شیلی دیگر که پیش از این بدان اشاره کردم، تجمل هرگز تا بدین حد گستاخانه، ابلهانه و سیری ناپذیر نبوده است. در این شیلی، بورس بازان حرفه ای، کل بخش عمومی اقتصاد را تسلیم شرکت های چند ملیتی کرده اند. دارودسته ای مانند چهل دزد بغداد، بر این بخش فرمان می رانند. اینان در گذشته نیز از ثروتمندان و تازه بدوران رسیده ها بودند و اکنون، سهام اکثر شرکتها را خریداری کرده اند. مضحکه پرزرق و برق انتخاب "ملکه زیبایی جهان"، تابلوی رسمی این کشور است.

در مجموع، تعداد این افراد که پایگاه اجتماعی پینوشه را تشکیل می دهند، زیاد نیست. اما اشتباهی آنها زیاد است. هیات حاکمه که نمک گیر اینهاست، همدا به نیروهای مسلح تکیه دارد و ارتش را به ستون اصلی دیکتاتوری خود تبدیل کرده است. هرگاه این ستون به لرزه بیفتد، ژنرال پینوشه چند دقیقه بیشتر در صحنه باقی نخواهد ماند.

دیکتاتور، از آنجا که دریافته است به ارتش وابستگی دارد، اینفورم پوشان را به کاست ممتاز تبدیل کرده است. فساد در صفوف نظامیان رواج دارد. آنها درآمدهای هنگفتی دارند. نظامیان بر قانون اساسی فاشیستی ۱۹۸۰ متکی اند و قصد دارند دیکتاتوری نظامی را در شیلی، ابدی کنند و قدرت پینوشه را تا پایان همراو بصورت تضمین شده در آورند. دکتترین نظامی شیلی، که برای به اصطلاح شورای امنیت ملی، اختیارات نامحدود قائل شده است، به نیروهای مسلح قدرت مطلق با حق وتو علیه تصمیمات هر دولت بورژوازی اعطا می کند. چنین دولتی، اگر هم به فرض، در آینده تشکیل شود، چه امروز و چه در قرن ۲۱، در چنگال آهنین ارتش خواهد بود. به جز الیگارشی حریص داخلی، تکیه گاه دیکتاتور، که اخیرا خود

رایک نابغه نامیده است شرکت های خارجی ای هستند که شیلی را به یکی از منابع ثروت اندوزی خود تبدیل کرده اند. خوش خدمتی پینوشه در برابر آن باند، سرمایه دار استرالیایی، که صحنه آن از تلویزیون پخش شد، به راستی نفرت انگیز بود. دیکتاتور، از باند به خاطر خریداری شدن "ال ایندیو"، یکی از سرشارترین معادن طلا و مس جهان، و نیز شرکت تلفن، به بهایی بسیار ناچیز توسط این سرمایه دار، تشکر کرد، انگار که سرمایه دار استرالیایی، با این معامله به شیلی افتخار هم داده است. دیدن اینکه چگونه امپریالیسم و هوامل شیلیایی و خارجی آن، با وانمود کردن اینکه می خواهند قروض خارجی ما را هم همده دار شوند، به رایگان بزرگترین شرکت های ملی را صاحب می شوند، انسان را خشمگین می کرد.

در شیلی، و شاید در سراسر جهان، دولتی تا بدین حد وطن فروش سابقه نداشته است. این چوب حراج زدن به کشور، این خیانت روزمره به وطن، هر بار با نواختن ریاکارانه سرود ملی و برافراشتن پرچم سه رنگ کشور ما همراه است!

پینوشه اکنون سرگرم "عملیات لبخند" است. او با دست و دل بازی، وعده وعید می دهد و می خواهد ببیند مردم شیلی فریب او را می خورند و چند میلیون رای به ریاست جمهوری اش می دهند یا نه. اما در این قمار، او شانسی ندارد. نظر خواهی های جدی در شیلی به اتفاق نتیجه داده اند که بیش از ۸۰ درصد مردم، مخالف دیکتاتوری و دیکتاتورند. باید این اکثریت عظیم را به حرکت در آورد و در جبهه ای رزمنده، منسجم کرد. پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، در خدمت این هدف بود.

ما کمونیستها، قاطعانه خواهان انتخابات آزاد و آزادی در همه عرصه هاییم. اما تا وقتی پینوشه بر سر کار است، این آزادی تحقق نخواهد پذیرفت. ما برای

بلافاصله پس از سرنگونی دیکتاتوری، اتحاد اپوزیسیون را برای پایان دادن به این دوره تاریک از تاریخ کشورمان و بازگشت به دموکراسی، پیشنهاد می‌کنیم. بدین منظور، سرنگون کردن دیکتاتوری ضروری است. در اسناد پلنوم ما آمده است: "تضاد اصلی در شیلی امروز، تضاد میان آنهایی است که می‌خواهند قدرت فعلی را حفظ کنند و آنهایی که می‌خواهند آن را براندازند. اکثریت کشورها، در زمره دومند، و ما پیشاپیش همه."

اکنون در شیلی، ائتلاف متحد چپ تشکیل شده است. این ائتلاف رو به تقویت است. بطور کلی، چپ در کشور ما نفوذ نیرومندی دارد. خلق هنوز جبهه خلق و "اتحاد مردمی" را که توانست قدرت را به دست گیرد و مترقی‌ترین شکل حکومتی دموکراتیک در شیلی را ایجاد کند، به یاد دارد. امروز، چپ در شیلی، متحد کننده‌ترین نیرو است. در پلنوم گفته شد این نیرو، هدف اقدامات مشترک در سازمانهای مختلف دموکراتیک را دنبال می‌کند. مسئله اینجاست که نه رهبری دموکرات مسیحی‌ها و نه سایر گروههای اپوزیسیون میانه و راست، برای پیکار متحد و قاطع با استبداد، آمادگی نشان نمی‌دهند. امروز می‌توان در زندگی سیاسی شیلی، رکودی مصنوعی دید که با همه‌پرسی پینوشه ارتباط دارد. او امیدوار است از طریق این همه‌پرسی بتواند قدرت را حفظ کند. کمونیستها و کل چپ، از آغاز به دموکرات مسیحی‌های پیشنهاد کردند بر این امر توافق شود که مضحکه فراندوم پینوشه با تلاش ما برای بسیج پیگیر نیروهای اجتماعی و کشاندن دیکتاتوری به بحران از طریق به اوج رساندن اعتراض از سوی این نیروها، ناکام بماند.

اگر ما در مبارزه خود متحد و پیگیر می‌بودیم، دیکتاتوری سالها پیش درهم شکسته بود. اما تفرقه ما، به پینوشه امکان داده است نه تنها به قدرت برسد، بلکه به حاکمیت استبدادی خود ادامه دهد. متاسفانه باید گفت تفرقه اپوزیسیون، باز هم موفقیت‌هایی برای دیکتاتور امکان پذیر خواهد کرد، برای خلق به قیمت قربانی‌های بازهم بیشتر تمام خواهد شد و روز پیروزی آزادی و دموکراسی در کشور ما، رابا ز به عقب خواهد افتاد.

هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی در ژوئیه سال گذشته اعلام کرد. یک جنبش توده‌ای با هدف بسیج و پیکار متحد و رویارویی قاطع با دیکتاتوری، "جنبشی که به همه‌پرسی" نه! "روشنی بگوید و خواستار انتخابات آزاد و دموکراتیک ریاست جمهوری، انتخابات کنگره‌ای با حقوق موسسان و قانونگذاری، شمارش خودکار آرا با کنترل دموکراتیک و حقوق برابر سیاسی برای همه احزاب شود، چنین جنبشی به مبارزه برای انتخابات آزاد، کیفیتی نوین خواهد بخشید. تحت چنین شرایطی می‌توان در میان همه نیروهای دموکراتیک به توافق و سازش رسید." پلنوم، بر این خواست چنین افزوده است: "ما پیشنهاد می‌کنیم همه نیروهای اپوزیسیون برای مقاومت در برابر همه‌پرسی متحد شوند و این نمایش مسخره را که دیکتاتوری تدارک آن را می‌بیند، افشا و با شکست مواجه کنند."

در شیلی، مردم از این اپوزیسیون متفرق بسیار ناراضی اند. شواهدی بر این امر، از جمله عبارتند از اعتصاب غذای ۳۰ روزه دو کادر جوان حزب دموکرات مسیحی در ووال پارائیزو به نامهای والدوگارسیا و اسوالدومونوز، که با به خطر انداختن جان خود خواهان اتحاد نیروهای اپوزیسیون شدند، و نیز گردهمایی توده‌ای در برابر ساختمان حزب دموکرات مسیحی در سانتیاگو. رهبری این حزب نمی‌تواند این واقعیات را نادیده انگارد.

ما کمونیستها، به موقع تصمیمات درست تاکتیکی را اتخاذ می‌کنیم، و در همین حال، به مشی استراتژیک خود وفادار می‌مانیم. ما مخالف همه‌پرسی پینوشه ایم. ما قریب موافقید و مانورهای دروغین دیکتاتوری که "قانون رای‌گیری و شمارش آرا" را تصویب کرده است، نمی‌خوریم. این قانون، مصوب مضحک‌ترین ارگان قانونگذار جهان است که از سه ژنرال و یک دریا سالار، از چهار نفر که هیچ‌کس آنها را انتخاب نکرده است، تشکیل می‌شود. این قانون را تصویب کرده‌اند تا پینوشه را بر سر کار نگه دارند. دستگاه پلیس، نیروهای مسلح و عوامل دیگر پینوشه، در هر مرحله رای‌گیری، در آن دخالت خواهند کرد، از تدارک آن گرفته،

تا اتخاذ آرا و شمارش و جمع‌بندی آن. آنها قادرند طبق دستور دیکتاتور، رای‌گیری را به سود خود بگردانند.

امروز، سبلی واقعی از تبلیغات، شیلی را فرا گرفته است. هنگام اقامت من در کشور، همه نشریات، مجلات و برنامه‌های تلویزیونی پر از تبلیغات برای دیکتاتوری بود. چاپلوسان، دیکتاتور را به سرحد خدایی رسانده‌اند. در تلویزیون دیدم که چگونه یک پلیس به هیات دهقان درآمده، بطرزی مضحک نزد پینوشه چاپلوسی می‌کرد. او، به کریستوفر ریو، هنرپیشه آمریکایی که از معروفترین چهره‌های امروز سینماست، و به شیلی آمده بود تا با ۸۰ هنرمند شیلیایی که در معرض تهدید جوجه‌های مرگ پینوشه‌اند، اعلام همبستگی کند، ناسزا می‌گفت. دهقان دروغین، دیوانه‌وار فریاد می‌کشید: "ما وقتی ابرمرد خود را داریم، ابرمرد آمریکایی را می‌خواهیم چه کنیم!" این "ابرمرد" پینوشه، که به دستور او دهها هزار تن از مردم شیلی اعدام شده‌اند، کودکان را می‌بوسد، در جلوی دوربین‌های تلویزیون می‌گوید هر هشت دقیقه یک بار، خانواده‌ای صاحب منزل جدید می‌شود، در حالیکه درست در سالهای حکومت او، مشکل مسکن گریبان میلیونها تن را گرفته است.

جنايات علیه مردم شیلی ادامه دارد. ما کارین اتیل، دختر جوانی را دیدم که همین چندی پیش، بعنوان بهترین ورزشکار شیلی انتخاب شده بود. او به آکونکاگوا، بلندترین قله آند در قلمرو شیلی، و هوایاناپوتوسی، بلندترین قله بولیوی، صعود کرده بود. آثار وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها بر بدن او را در تلویزیون نشان دادند. پلیس پینوشه او را شکنجه داده است. آیا خلق را از این طریق مرعوب می‌کنند؟ نه!

در هنگام اقامت من در شیلی، کتاب میخائیل گارباچف بنام "جهانی بدون سلاح‌های اتمی" را که مخفیانه منتشر شده بود، بدستم رسید. تصمیم گرفتم این کتاب را برای هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر به اتحاد شوروی بیاورم و آن را به نویسنده بدهم. اندکی بعد، کتابی دیگر از گارباچف بنام "پرسترویکا و تفکر نوین" منتشر شد. وقتی به مسکو برگشتم، شنیدم که این

کتاب، محبوب‌ترین هدیه کریسمس در شیلی است. در شیلی، مافضای مسموم نوهی ابتدایی و کینه‌توزانه از کمونیسم ستیزی را که دیکتاتور و اطرافیانش می‌پراکنند، استنشق کردیم. اما ما شاهد برخوردی محبت‌آمیز و صمیمانه به اتحاد شوروی و اشتیاقی بزرگ نسبت به روند نوسازی جامعه شوروی نیز بودیم.

چگونه می‌توان این پدیده را توضیح داد؟ به نظر من، شیلی در همق درون خود، همچنان کشوری دموکراتیک است. این کشور، مانند دیکتاتوری‌ای که از آن رنج می‌برد، به زمانه پشت نکرده است. سفر گارباچف به ایالات متحده و انعقاد قرارداد محو موشک‌های میان برد، تأثیری نیرومند بر مردم شیلی گذاشت. اکثر مردم شیلی از این قرارداد بعنوان نخستین گام مهم به سمت خلع سلاح، بعنوان موفقیتی بی نظیر در راه صلح، استقبال می‌کنند. این قرارداد پینوشه را بدون تردید خوش نیامده است. او نیز مانند همقطارش، دریا سالار مرینو، رویای این را در سر می‌پروراند که تا پایان قرن، بساط کمونیسم را بر چنداین دریا سالار، که علاقه زیادی به نطق کردن دارد، در یک سخنرانی خود گفته است جنگ جهانی سوم، یک سمفونی واقعی از هنر جنگ خواهد بود. او افزوده است که در قرن ۲۱، درجهان تنها حکومت‌های نظامی وجود خواهد داشت.

بدین منظور پینوشه از هم اکنون جزایر "ایستر" متعلق به شیلی را به مثابه ناو هواپیما بری شرق نشدنی، به ایالات متحده سپرده و فرودگاه ماتاوری را نیز به صورت پایگاهی برای پروازهای هواپیماهای آمریکایی در اقیانوس آرام در آورده است. او معتقد است در آینده از فاجعه اتمی نیز اگر در خدمت نابودی کمونیسم باشد، نباید ترسید هر روز آشکار می‌شود که حضراتی مانند پینوشه، از زمره ماجراجویان هسته‌ای هستند. اینان، دیوانگان خطرناک و هیولاهای درنده‌ای هستند که هر آن ممکن است به دشمن خود حمله‌ور شوند. آنها را باید منزوی کرد امروز دیکتاتور تقریباً در برابر همه جهان، تنها مانده است. تا کنون، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، حکام شیلی را ۱۴ بار به شدیدترین وجه به هتک نقض حقوق بشر محکوم کرده است. □

فرخنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

روز هبستگی رزمجویانه
کارگران و زحمتکشان جهان

کارگران و زحمتکشان ایران!

مهمترین خواسته‌های سیاسی، صنفی و رفاهی شهادت‌مرحله‌کنونی مبارزه با رژیم کارگرسبزوولایت فقیه عبارتند از: قطع فوری جنگ خانمانسوز، آزادی زندانیان - سیاسی، تامین آزادی‌های دموکراتیک، به رسمیت شناختن سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگران، تدوین قانون کار و قانون تامین اجتماعی با شرکت نمایندگان واقعی کارگران، افزایش دستمزدها متناسب با هزینه زندگی، اجرای طرح مترقی طبقه‌بندی مشاغل، تامین بهداشت و درمان و آموزش رایگان، تامین مسکن مناسب و توسعه تعاونی‌های مسکن و مصرف‌کارگری.

پیروزی در راه تامین این خواسته‌ها به میزان شکل و سازمان یافتگی شما بستگی دارد. با حمایت از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، صفوف مبارزه‌جویانه خود را در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق تقویت کنید.

کارگران و زحمتکشان!

روز اول ماه مه را به روز مبارزه برای قطع بیدرنگ جنگ، و برای آزادی‌های دموکراتیک، نجات جان نیروهای مشرقی از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها، و حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهیدای انقلاب بدل کنید.

خجسته باد اول ماه مه!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

پیروز باد مبارزه متحد کارگران و زحمتکشان ایران!

گروه‌ها و ادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - اردیبهشت ۶۷

اول ماه مه در سیمای
کارگران، در نگاه
کارگران و در گام‌های
کارگران می‌خروشد.
اول ماه مه شکوه یک
رزم تاریخی را به نمایش
می‌گذارد. رزمی که
ارکان سرمایه را درهم
می‌شکند. این رزم
پایه‌های جماران را نیز
درهم خواهد ریخت.
شعله این رزم
تامیر است. نامیرا
می‌ماند تا حاکمیت
ارتجاع را بمیراند.
تراکتی که مشاهده
می‌کنید، بمناسبت اول
ماه مه امسال، از سوی
یکی از گروه‌های هوادار
سازمان تهیه و در تهران
پخش شده است.

پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران

طی مراسم بزرگداشت اول ماه مه در شهر آخن - آلمان فدرال، متن زیر به امضای نمایندگان سندیکاها رسید.

رژیم جمهوری اسلامی، ایران را به زندان بزرگ کارگران و زحمتکشان تبدیل کرده، حقوق صنفی و سیاسی آنان را بشدت لگدمال می‌کند.

این رژیم ضد دموکراتیک و ارتجاعی هر گونه "امنیت شغلی" را از کارگران سلب و با تهدید به بیکاری می‌کوشد زمینه اهرام گسترده شان به جبهه‌های جنگ را فراهم سازد.

جنگ و کشتار، ترور و اختناق و اخراج و بیکاری تنها راه آورد حکومت خمینی برای کارگران و زحمتکشان ایران بوده است.

ما امضا کنندگان، از مبارزات طبقه کارگر ایران در راه دستیابی به آماج‌های زیر پشتیبانی می‌کنیم:

- ۱- قطع بیدرنگ جنگ ایران و عراق و استقرار صلح میان طرفین.
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی و تامین آزادی‌های دموکراتیک.
- ۳- پایان دادن به موج وسیع اخراج و بیکاری.
- ۴- حق برخورداری از تشکلهای مستقل کارگری.

ر- رهبر سندیکای کارکنان پست آلمان فدرال
- مسئول اتحادیه سندیکایی آلمان فدرال در آخن
- نماینده سندیکای کارکنان صنایع فلز آخن
- نماینده سندیکای کارکنان موسسات دولتی و حمل و نقل آخن
- نماینده سندیکای کارکنان موسسات تجاری، بانکها و بیمه آخن
- نماینده سندیکای کارکنان پست آخن
- نماینده سندیکای کارکنان آموزشی و علمی آخن
- نماینده سندیکای کارکنان صنایع غذایی و رستوران‌ها آخن
- انجمن یونانیان مقیم آخن
- هیلدگار دلایسه، عضو انجمن شهر آخن

انحلال پارلمان فرانسه

فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه که در انتخابات هشتم ماه مه برای دومین بار به این سمت برگزیده شد، پارلمان این کشور را منحل و اعلام کرد انتخابات جدید در روزهای ۵ و ۱۲ ژوئن سال جاری برگزار خواهد شد. وی در یک سخنرانی تلویزیونی، علت این تصمیم خود را موانع ایجاد شده برای کار میشل روکار نخست وزیر منصوب خود، توسط پارلمان که در آن راستگرایان اکثریت دارند، اعلام کرد.

طبق قانون اساسی فرانسه رئیس جمهور حق دارد پس از مشورت با روسای مجلس ملی و سنا پارلمان را منحل کند. در انتخابات ۱۶ مارس ۱۹۸۶، ائتلاف راست ۲۸۹ کرسی، حزب سوسیالیست ۲۱۴ کرسی، حزب کمونیست ۳۵ کرسی و دارو دسته فاشیستی "جبهه ملی" ۳۲ کرسی بدست آوردند.

گلیست ها (به رهبری ژاک شیراک) و لیبرال ها (به رهبری ژیسکار دستن) اعلام کرده اند اقدام به معرفی نامزدهای مشترک خواهند کرد.

۲۰۰ کشته در

زدو خورد های امل و حزب الله

درگیری مسلحانه امل و حزب الله در بیروت تاکنون به کشته شدن ۲۰۰ تن و مجروح شدن ۹۳۰ تن انجامیده است. این زدو خورد ها در هفته گذشته علیه فریم حصول چند قرار آتش بس ادامه یافتند. تلاش های مختلف برای پایان دادن به درگیری ها ناکام مانده اند.

امل و حزب الله در نبرد علیه یکدیگر از آتش سنگین توپخانه استفاده می کنند. در نتیجه این نبردها، بیش از ۶۰ درصد ساکنان حومه جنوبی بیروت، منازل خود را ترک کرده اند.

ژنرال قاضی کنعان فرمانده نیروهای سوری مستقر در لبنان اعلام کرد در صورت ادامه زدو خورد ها، نیروهای سوریه وارد محلات جنوبی بیروت خواهند شد. وی از طرف های درگیر خواست به جنگ که باعث قربانی شدن مردم بی گناه شده است پایان دهند.

از میان دیگر رویدادها

*در نخستین رای گیری درباره قرارداد محو موشک های میان برد، مجلس سنای آمریکا با اکثریت ۹۱ رای به عرای، بر قانونی بودن امضای میخائیل گارباچف در پای این قرارداد صحت گذاشت. راستگرایان افراطی در سنا کوشیدند با طرح این مانع که گویا گارباچف سمت دولتی نداشته مجاز به امضای این قرارداد نبوده است، تصویب قرارداد را به عقب بیندازند.

*بدنبال ممنوعیت کمک نظامی به پاناما از سوی سنای آمریکا، ارتش پاناما رسماً مناسبات خود را با دولت و ارتش آمریکا قطع کرد.

*در سنول پایتخت کره جنوبی تظاهرات گسترده ضد آمریکایی دانشجویان به یورش پلیس به تظاهرات انجامید.

پیشنهاد جدید انقلابیون السالوادور برای مذاکرات آتش بس

پارلمان انجام پذیرد. میانجی پیشنهادی میهن پرستان السالوادور، استغف اعظم سان سالوادور است.

اپوزیسیون السالوادور در این سند اعلام آمادگی کرده است درباره هر آنچه بتواند به کاهش درگیری های مسلحانه و حل بحران با شرکت همه بخش های جامعه السالوادور یاری رساند، به مذاکره بپردازد. از این جمله است احیای کمیسیون هایی که در آخرین دور مذاکرات حکومت و چریک ها در پنجم و ششم اکتبر ۱۹۸۷ تشکیل شدند. دو کمیسیون مزبور به مسائل آتش بس و "سایر موضوعات" پیش بینی شده در قرارداد پنج کشور آمریکای مرکزی می پردازند.

در السالوادور جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی که یک سازمان چریکی است، همراه با جنبش دمکراتیک انقلابی که ائتلاف سیاسی اپوزیسیون این کشور است، پیشنهاد جدیدی برای مذاکرات آتش بس به رژیم دوارته ارائه دادند. در این سند، تاریخ ۳۰ یا ۳۱ ماه مه برای برگزاری یک دور گفتگوها با نمایندگان دولت می توانند با دستور کار از پیش تعیین نشده انجام گیرند.

انقلابیون السالوادور پیشنهاد کرده اند شرکت کنندگان در گفتگوها خود درباره موضوع آن تصمیم بگیرند. طبق این پیشنهاد، باید پیش از مذاکرات مزبور، گفتگوهای تدارکاتی با شرکت نمایندگان اپوزیسیون و سه حزب حاضر در

۱۰ هزار فلسطینی در زندان های اسرائیل به سر می برند

در روز چهارشنبه ۱۸ ماه مه یک نوجوان ۱۶ ساله فلسطینی در شمال رام الله واقع در کرانه غربی رود اردن به ضرب گلوله صهیونیست ها کشته شد. ۱۰ فلسطینی دیگر در این حادثه مجروح شدند.

در روز یکشنبه ۱۵ ماه مه که مصادف با چهلمین سالگرد تاسیس اسرائیل بود، کرانه غربی رود اردن و نوار قزیه به مرصه اعتصاب عمومی علیه اشغالگران تبدیل شد. این اعتصاب به دعوت "رهبری واحد قیام خلق در مناطق اشغالی" صورت گرفت. مظالم ها تعطیل بودند و رفت و آمد و سایطه نقلیه متوقف شد. در خود اسرائیل نیز کارکنان هرب موسسات از حضور در محل کار خود سر باز زدند.

به گزارش یکی از نمایندگان پارلمان اسرائیل، در حال حاضر بیش از ۱۰ هزار ساکن مناطق اشغالی در زندان های اسرائیل به سر می برند. در حدود ۱۹۰۰ تن از آنان، در اردوگاه های فاقه هرگونه امکانات بهداشتی و در شرایطی بسیار غیر انسانی نگهداری می شوند. این زندانیان نه محکوم شده اند و نه هیچ گونه دیداری با باز پرس داشته اند. این گونه بازداشت که میراث دوره استعمار بریتانیاست، تنها به اختیار نیروهای سرکوبگر است و خارج از قلمرو کنترل مقامات قضایی قرار دارد. روزنامه اسرائیلی "هاآرتز" که این گزارش را چاپ کرده است، می افزاید در میان زندانیان، ۲۸ خبر نگار و یک مرد ۷۵ ساله دیده می شوند.

فراخوان کنگره ملی آفریقا برای تشدید مبارزه با آپارتاید

خواهد بود به حاکمیت رژیم بوتاپایان دهند. این فراخوان می افزاید رژیم آپارتاید می کوشد مردم را از هاب کند و پیکار رهایی بخش را بقتل و شکنجه مبارزان فلج نماید.

در فراخوان از همه نیروهای دمکرات و میهن پرست خواسته شده است انتخابات محلی ماه اکتبر را تحریم کنند.

کنگره ملی آفریقا طی فراخوانی مردم آفریقای جنوبی را دعوت به تشدید پیکار رهایی بخش خود و شکل گیری جنبشی نیرومند از همه نیروهای ضد آپارتاید در راه آزادی، برابری و عدالت کرد.

در فراخوان کنگره ملی آفریقا آمده است تنها با اقدامات متحد، مردم آفریقای جنوبی قادر



پاپ با دیدار خود از پاراگوئه، حمایت تلویحی اش را از دیکتاتوری استروسز ابراز داشت

اعتصاب غذا در اعتراض به جنگ



آلمان فدرال

خود را از خواسته‌های اعتصابیون اعلام کردند. وجود پلاکاردها و نمایشگاه عکس علیه جنگ در میدان مرکزی شهر توجه همه زیادی از شهروندان را به خود جلب نمود. بازدیدکنندگان با امضای برگه‌های اعتراضی مخالفت شدید خود را با جنگ ابراز داشتند. حزب کمونیست آلمان فدرال، حزب سبزها، نمایندگان دانشجویان خارجی شورای دانشجویان دانشگاه، سازمان دانشجویان اسپارتاکوس، سازمان دانشجویان پروتستان، شورای دانشجویان مدرسه عالی در شهر اسن، شورای پناهندگان سیاسی ایرانی - کوسفلد و حومه، کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - هاگن، جمعی از کردهای هراتی ساکن شهر دورتموند و نیز واحدهای تشکیلاتی هواداران تعدادی از احزاب و سازمانهای سیاسی ایرانی با ارسال پیام برای اعتصابگران حمایت خود را از خواسته‌های آنان اعلام داشتند. خبر این اعتصاب غذا در روزنامه‌های WAZ، NRZ، Bild و UZ درج گردید. رادیو 1 - WDR نیز قسمتی از بخش خبری خود را به پخش خبر اعتصاب فزاد. اسن اختصاص داد.

گروهی از پناهندگان سیاسی و مهاجرین ایرانی مقیم شهر اسن و حومه - آلمان فدرال، در تاریخ ۱۱ ماه مه در اعتراض به ادامه جنگ ایران و عراق، موشکباران شهرها و بمبارانهای شیمیایی و ابراز نگرانی نسبت به خطر تکرار این جنایتکاریها و بمنظور محکوم کردن فروش اسلحه به دو کشور درگیر، اقدام به یک تظاهرات صلح خواهانه و بدنبال آن بر پایی اعتصاب غذای ۴۸ ساعته‌ای در دفتر فراکسیون حزب سبزها در ساختمان شهرداری اسن کردند.

شرکت کنندگان در این حرکت خواستار برقراری آتش بس فوری و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل شدند. آنها همچنین خواهان آزادی زندانیان سیاسی و احقاق حقوق خلق‌های تحت ستم و زنان رنج دیده ایران گردیدند.

تعدادی از کردهای هراتی با شرکت در این اعتصاب و اعلام همبستگی با اعتصابگران انزجار همیق خود را از وحشیگری‌های رژیم صدام حسین اعلام داشتند.

بسیاری از ایرانیان و آلمانی‌ها با حضور در محل اعتصاب پشتیبانی

خروج نیروهای شوروی از افغانستان آغاز شد

شورای ملی افغانستان به کابل رفته و به پای میز مذاکره بنشیند. نجیب‌الله افزود مردم افغانستان صلح می‌خواهند تا کشور، بر عقب ماندگی و رکود چیره شود.

رهبری شوروی و افغانستان در بیانیه مشترک به مناسبت آغاز خروج نیروهای شوروی تأکید کردند مسئله اصلی حل به اصطلاح مسئله افغانستان، همچنان پایان دادن به مداخله خارجی در امور داخلی این کشور است. در این بیانیه بر خواست محو پایه مادی مورد استفاده برای این مداخله، تأکید شده است. بیانیه می‌افزاید سیاست مصالحه ملی شرایط لازم برای تحول مثبت اوضاع داخلی افغانستان را نیز فراهم آورده و هم اکنون در کابل تشکیل یک دولت ائتلافی بر وسیع‌ترین مبنای ممکن، امکان پذیر شده است.

در مراسم تودیع نیروهای شوروی در کابل، که با شرکت بیش از ۱۵ هزار تن از مردم شهر برگزار شد، رئیس جمهور افغانستان گفت نیروهای مخالف دولت باید درک کنند که مسائل، از طریق نظامی قابل حل نیستند. به گزارش مطبوعات پاکستان، ائتلاف هفت گانه ضد انقلابیون افغانی، مستقر در پیشاور، طی عملیاتی شتابزده انتقال سلاحها و مهمات خود را به خاک افغانستان آغاز کرده‌اند. در این عملیات، صدها کامیون به کار گرفته شده‌اند.

مطبوعات غربی گزارش دادند ضد انقلابیون افغانی در منطقه کابل تدارک یک حمله گسترده را می‌بینند. دیپلماتهای غربی در دهلی نو گفته‌اند در میان اهالی کابل اعلامیه‌های ضد انقلابیون مبنی بر اینکه بزودی شهر مورد حملات موشکی قرار خواهد گرفت، پخش شده است.

در کابل اعلام شد مجلس شورای ملی افغانستان در روز سوم خرداد ماه تشکیل جلسه خواهد داد و کابینه جدید در روز ۶ خرداد معرفی خواهد شد.

در واشنگتن یک سخنگوی کاخ سفید گفت آمریکا از خروج نیروهای شوروی استقبال می‌کند اما به حمایت از ضد انقلابیون ادامه خواهد داد. وی اظهار امیدواری کرد که یک "دولت منتخب" جایگزین دولت کنونی افغانستان شود.

در میان بدرقه گرم و پر شور مردم، ارتش و مقامات دولتی افغانستان، خروج نیروهای شوروی از این کشور آغاز شد.

نخستین واحدی که افغانستان را ترک کرد، یک واحد موتوریزه زرهی بود که از شهر جلال آباد واقع در استان شرقی ننگرهار راهی کابل شد و سپس با عبور از رودخانه جیحون (آمودریا)، از مرز دو کشور گذشت و در جمهوری ازبکستان مورد استقبال قرار گرفت.

یک هیات ناظر ۵۰ نفری سازمان ملل و بیش از ۱۵۰ خبرنگار از سراسر جهان برای دنبال کردن آغاز خروج نیروهای شوروی، به افغانستان سفر کردند. خروج نیروها، بخشی از مفاد قرارداد ۱۴ آوریل ژنو برای حل بحران افغانستان است. در سه ماه نخست - از ۱۵ ماه مه تا ۱۵ اوت - نیمی از نیروهای شوروی و در شش ماه بعد، نیم دیگر افغانستان را ترک خواهند کرد. در آستانه آغاز خروج نیروهای شوروی، ضد انقلابیون با حمله موشکی به کابل ۲۳ تن را به قتل رساندند. همچنین در جریان دو بمب گذاری در کابل ۱۰ تن کشته شدند.

هنگامی که نخستین واحد نیروهای شوروی بر سر راه خود به میهن وارد کابل شد، هزاران زن و مرد و کودک در دو سوی خیابانهای این شهر آن را بدرقه کردند. کاروان نیروهای شوروی بر سر راه خود چند بار مورد مزاحمت ضد انقلابیون قرار گرفت. اما درگیری قابل ذکری روی نداد.

به گفته ژنرال گرومف فرمانده نیروهای شوروی در افغانستان تا روز ۲۹ ماه مه که دیدار ریگان از مسکو آغاز خواهد شد، یک چهارم نیروهای تحت فرماندهی او به کشور خود باز خواهند گشت.

نجیب‌الله رئیس جمهور افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل اعلام کرد سیاست مصالحه ملی در افغانستان ادامه خواهد یافت. وی این ادعا را که گویا پس از خروج نیروهای شوروی، افغانستان تجزیه خواهد شد، رد کرد و با اشاره به نیروهای واقع بین در صفوف اپوزیسیون، از رهبران آنها خواست برای شرکت در نخستین اجلاس مجلس

AKSARIYAT
NO. 208
MONDAY, 23 May, 88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY